

**سوال:** اگر امکان دارد در مورد عید میلاد مسیح بیشتر توضیح دهید؟

**جواب:** مسیحیان میلاد عیسی، پسر خدا، را جشن می گیرند: این یک دوره انتظار و شادی است. امروزه عید میلاد محبوب ترین عید در میان پیر و جوان است.

تاریخ: شب ۲۴ به ۲۵ دسامبر

یا ۶ به ۷ ژانویه برای برخی از مسیحیان ارتدوکس سنت های مربوطه: کاتولیک، پروتستان و ارتدوکس

متن کتاب مقدس :

"امروز، در شهر داوود، برای شما نجات دهنده ای زاده شده که مسیح خداوند است." لوقا ۲: ۱۱

### تاریخ عید میلاد مسیح

بنا بر گزارش انجیل لوقا، عیسی شب هنگام زاده شد، وقتی که چوپانان در صحرا در خواب بودند. بعدها انجیل های غیر رسمی جزئیاتی درباره مکان و اشخاص را به گزارش لوقا افزودند. در سده ششم، وقتی که دیونیزوس، راهب و عالم مسیحی، تصمیم گرفت که مبداء تاریخ را بر میلاد مسیح قرار دهد، چند سال در محاسبه خود اشتباه کرد... در واقع عیسی چند سال پیشتر از سال ۰ به دنیا آمده است. لوقا تاریخ دقیق را ذکر نکرده است، در نتیجه مسیح ممکن است که در ژوویه (در تابستان) و یا تاریخ دیگری به دنیا آمده باشد. پس چرا میلاد در دسامبر جشن گرفته می شود؟ نمی دانیم که فکر جشن گرفتن میلاد عیسی در ۲۵ دسامبر نخستین بار به ذهن چه کسی رسید. اما در سده ۳، در رم، میان بعضی از یکتاپرستان غیرابراهیمی و مسیحیان بر سر چندین تاریخ برای تولد و یا تولد دوباره خدا رقابتی در گرفت. تاریخ های مطرح شده بیشتر در فصل بهار بودند. اما در نهایت توافق بر انقلاب زمستانی، در پایان دسامبر، قرار گرفت، که در آن روزها کم کم شروع به درازتر شدن می کنند و خورشید، که به نظر در حال مرگ بود، جانی دوباره می گیرد. آیا عیسی آن «خورشید عدالت» نیست (میکاه ۳: ۲۰)؟ در ۲۷۴ م، امپراتور آئورلیانوس، که جایی رسمی به خدای خورشید داد و او را حافظ اصلی امپراطوری روم اعلام کرد، روز ۲۵ دسامبر (که مصادف با انقلاب خورشیدی زمستانی بود) را «روز میلاد خورشید شکست ناپذیر» را جشن رسمی اعلام کرد. این آئین تاثیرات بسیاری از آئین میترا، ایزد ایرانی گرفت، که در ۲۵ دسامبر زایشی دوباره می یابد. آئورلیانوس مرد و آئین های پاگانی (جشن های میترا و ساتورن) به تدریج متروک شده، و جشن مسیحی برجای ماند...

برخی از کلیساهای ارتدوکس (کلیسای اورشلیم، روسیه، گرجستان، صربستان، و کوه آتوس در یونان) همچنان گاهشمار یولیوسی را به کار می برند، که ۱۳ روز با گاهشمار گریگوری عقب تر است. در نتیجه، آنها عید میلاد را در ۲۵ دسامبر بر اساس گاهشمار یولیوسی برگزار می کنند، که برابر با ۷ ژانویه بر اساس گاهشمار گریگوری است.

## جشن نور

عید میلاد یک جشن زایش نور است. چراغانی های عید میلاد در اروپای شمالی، در تضاد با شب های تاریک دسامبر هستند. عادت بر این بوده است که میلاد مسیح، طبق روایت انجیل، در دل شب جشن گرفته شود، و این رسم مشترک در میان سه سنت بزرگ کاتولیک، پروتستان و ارتدوکس باقی است.

برای مومنان، بر خلاف روحانیان، عید میلاد همواره محبوب تر از عید رستاخیز بوده است. به دنیا آمدن یک کودک، آن بعد غم بار صلیب را ندارد. اما با این حال، گذشتگان ما با دیدن شمار بسیار بالای مرگ و میر کودکان می دانستند که یک نوزاد در یک اسطبل در ماه دسامبر چقدر آسیب پذیر است... این کودک که زاده می شود بسیار کوچک است، کوچک مانند یک بذر، مانند یک جوانه. بنابراین عید میلاد عیدی است پر از پدیده های متضاد؛ نور و شب، گرما و برف، خدا و یک نوزاد. این عید امید نیز هست: زمانی که همه چیز مرده و خاموش به نظر می آید، مسیحیان، بی واهمه از باد زمستانی، می روند تا شعله اویی را بیافروزند که می رود تا زاده و بزرگ شود. تضاد آخر در اینجاست: عید میلاد عیدی برای کودکان است، که همچون چوپانان ساده اند؛ اما این عیدی برای بزرگسالان نیز هست که از ارزشمندی زندگی آگاهند. همانند مغان حکیم، که حکمتشان، در ورای ظواهر، به یک حقیقت ژرف شهادت می دهد.

متن کتاب مقدسی:

" و او پسر نخست زاده خود را زاید، در قنذاق پیچیده و در آخور خوابانید، زیرا برای آنها جایی در مسافرخانه نبود." (لوقا ۲: ۷)

## استبل

بر اساس انجیل لوقا، مریم عیسی نوزاد را در آخور استبلی که در آن پناه گرفته بود گذاشت. فکر ساخت نمونه ای از استبل محل میلاد مسیح با مجسمه های کوچک از فکر عالی فرانسیس قدیس الهام گرفت. فرانسیس در سال ۱۲۲۳ برای این که مفهوم میلاد مسیح را بهتر به روستاییان ایتالیای مرکزی توضیح دهد، به این فکر می افتد که آن صحنه را با کمک مردم روستا در غاری در گرچو بازسازی کند. با گذاشت کاه و آوردن یک خر و یک گاو در آنجا یک نمونه زنده از استبل شب میلاد مسیح را بازسازی کردند. هرچند که در روایت های متی و لوقا اشاره ای به خر و گاو نشده است، سنت مسیحی آنها را بر اساس نبوتی از اشعیا، که از وفاداری حیوانات صحبت می کند (اش ۱: ۳)، تصور کرد. این دو حیوان را می توان بر روی سنگ گورهای به جای مانده از سده ۴ دید. آنها نماد همه آفریدگاند که رو به سوی عیسی دارند. برای این که مسیحیان بتوانند بدئن رفتن به بیت لحم در میلاد عیسی تعمق کنند، از سده ۱۵ به بعد، نمونه هایی دائمی از استبل بیت لحم و بعدها نمونه های موقتی در کلیساهای ایتالیا پدیدار شدند. ماکت هایی با شخصیت های سفالین یا چوبین ابداع شدند که مانند نمونه های ناپل در ایتالیا در ابتدا بسیار بزرگ بودند: اینها پیکره هایی رنگ شده و بسیار آراسته بودند. در آخرین سال های سده ۱۸، ساخت شخصیت های دیگری، در اندازه بسیار کوچک، در پرووانس رواج می یابد تا بازسازی صحنه میلاد در آخور بیت لحم در خانه ها نیز ممکن شود. در مناطق مختلف رسوم ساخت مجسمه ها از، گل، و یا خمیر نان و ... گسترش می یابند.

این مجسمه ها جامه های امروزی بر تن دارند: جامه نانو، نامه بر، ماهی فروش و ... تا نشان داده شود که تنها چوپانان چند صد سال پیش نیستند که برای دیدار و ستایش عیسی به استبل می روند، بلکه اشخاص امروز، من و شما، همه، و نیز برای این که ببینیم که عیسی نه در جهان افسانه بلکه در جهان واقعی زاده شده است. اگر برای کاتولیک ها، ماکت استبل نشان می دهد که خدا شرایط انسانی ما را بر خود گرفت و فرصتی برای تعمق شمرده می شود، پروتستان ها که از پذیرش این بازنمایی راز تنگنری را خودداری می کنند درخت عید را ترجیح داده اند. در حالی که ماکت استبل بخشی از سنت مسیحیان ارتدوکس نیست، زیرا آئین مربوط به مجسمه شخصیت های مقدس در سنت ارتدوکس ممنوع است. در نتیجه میلاد عیسی بوسیله شمایل ها بازنمایی می شود.

### درخت کاج

درخت کاج عید میلاد رسمی است که دو نماد مذهبی نور و زندگی را در یک جا جمع می کند. درخت کاج با برگهای همیشه سبز، نماد نامیرایی و در نتیجه نماد مسیح و همچنین با شکل مثلثی اش یادآور تثلیث است. بدین ترتیب یادآور درخت بهشت زمینی و گناه آدم و حوا است، حامل نور و نجات می شود.

کاربرد درختان همیشه سبز و یا شاخه های آنها برای درست کردن حلقه های تزئینی به نشانه زندگی جاویدان، در میان مصریان باستان، چینی ها، و عبرانیان مرسوم بود. ساکنان اروپای پیش از مسیحیت درختان را مقدس شمردند. مردمان اروپای شمالی در آغاز سال نو شاخه های درختان همیشه سبز را در خانه ها و انبارهای غله خود می گذاشتند تا ارواح خبیث را از خود برانند. اما سنت قطع گسترده درختان کاج برای استفاده در تزئین خانه ها، به شکلی که امروزه می بینیم، در غرب آلمان، و به روایتی از سال ۱۵۲۱ در شهر کوچک سیلستات در آلزاس آغاز شد. دکور اصلی یکی از نمایش های پرترفدار در قرون وسطا درباره آدم و حوا، "درخت بهشتی" باغ عدن بود. این درخت کاجی جنگلی بود که سیب هایی از آن آویزان می شدند. آلمانی ها در ۲۴ دسامبر، روز جشن مذهبی آدم و حوا «یک درخت بهشت» را در خانه هایشان قرار می دادند. آنها بیسکوئیت های ویفری (مشابه نان مورد استفاده در قربانی مقدس) بر آن می آویختند. خیلی زود رسم شد که کاجها را با گردو، گل، شیرینی های دیگر و عروسک های کوچک بیارایند. بر نوک آن ستاره بیت لحم از چوب زرانود قرار داده می شد و از اواخر سده ۱۸ درخت را با شمع چراغانی می کردند. درخت کاج آراسته را امروزه می توان در جلو و یا درون کلیساها دید .

پروتستانها، که در ابتدا از بازسازی استبل محل میلاد مسیح با مجسمه های کوچک خودداری می کردند، از ۱۵۶۰ به درخت کاج کریسمس را به آن ترجیح دادند و آن به سرعت در کشورهای پروتستان، آلمان و کشورهای اسکاندیناوی رواج یافت. کاتولیک ها نیز تا مدتی درخت عید را سنت پروتستان دانسته و از گذاشتن آن در خانه ها و کلیساهایشان پرهیز می کردند. امروزه بسیاری از هر دو گروه هستند که هم درخت کاج را می آرایند و هم صحنه میلاد عیسی در استبل را می چینند.